موجودات فرازمینی از دیدگاه روایات اسلامی

«الْحَمْدُ للّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲)... وَلاَ الضَّالِّينَ (۷)

[ستایش خدایی را که پروردگار جهانیان * رحمتگر مهربان * (و) خداوند روز جزاست * (بار الها) تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم* ما را به راه راست هدایت فرما * راه آنان که گرامی شان داشته ای نه (راه) مغضوبان و نه (راه) گمراهان].

۱) محمد بن یعقوب، از چند تن از یارانمان، از احمد بن محمّد بن خالد، از یکی از یارانمان، از محمّد بن هشام، از مسیر، از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که ایشان فرمود: شکر نعمت پرهیز از کارهای حرام است و شکر کامل، گفتن «الْحَمْدُ للّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» می‌باشد.

۲) شیخ فاضل علی بن عیسی در کشف الغمة از امام محمد باقر علیه السلام، از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که ایشان فرمود: چهارپای پدرم گم شد. ایشان فرمود: اگر خداوند آن را به من بازگرداند آن چنان او را می‌ستایم که خشنود شود. طولی نکشید که آن را با زین و افسارش خدمت ایشان آوردند. چون امام سوار چهارپا شد و

لباس خود را برچید، سر به سوی آسمان برآورد و فرمود: «الْحَمْدُ للّهِ»، و چیز دیگری نگفت، سپس فرمود: هیچ چیز را جا نیانداختم و وانگذاشتم و همه گونه‌های ستایش را برای خداوند عز و جل به جای آوردم و هیچ ستایشی نیست مگر آن‌که آن را در گفته خویش داخل کردم. سپس علی بن عیسی گفت: راست فرمود و نیک گفت، الف و لام در کلام او «الْحَمْدُ للّهِ» جنس ستایش را در بر می‌گیرد و آن را بر خداوند متعال یگانه می‌دارد.

۳) علی بن ابراهیم، از پدرش، از محمّد بن ابی عمیر، از نضر بن سوید، از ابو بصیر، از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که ایشان در باره کلام خداوند: «الْحَمْدُ للّهِ» فرمود: تمامی شکر مخصوص خداوند است و در باره کلام خداوند: «رَبِّ الْعَالَمِینَ» فرمود: آفریننده همه آفریدگان. «الرَّحْمنِ» به تمامی مخلوقات خود، «الرَّحِیمِ» به طور خاص بر مؤمنان است. درباره «مَالِکِ یَوْمِ الدِّینِ» فرمود: یعنی روز جزا؛ و دلیل این سخن کلام حق تعالی است «وَقَالُوا یَا وَیْلَنَا هَذَا یَوْمُ الدِّینِ» [و می‌گویند: ای وای بر ما، این است روز جزا]، یعنی در روز جزا؛ «ایاک نعبد» خطاب به خداوند عز و جل است؛ «وإِیَّاکَ نَسْتَعِینُ» نیز همین‌طور؛ «اهدِنَا الصِّرَاطَ المُستَقِیمَ» راه همان امیر مؤمنان علی علیه السلام و شناخت امام است.

۴) وی گفت: و پدرم، از حماد، از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام برایم روایت کرد که ایشان در باره کلام خداوند: «الصِّرَاطَ المُستَقِیمَ» فرمود: آن امیر مؤمنان علی علیه السلام و شناخت اوست و دلیل این‌که آن امیر مؤمنان است کلام خداوند متعال می‌باشد: «وَإِنَّهُ فِی‌ام الْکِتَابِ لَدَیْنَا لَعَلِیٌّ حَکِیمٌ» [و همانا که آن در کتاب اصلی به نزد ما سخت والا و

پر حکمت است]و آن درام الکتاب و در کلام خداوند متعال «صراط مستقیم»، امیر مؤمنان علی علیه السلام است.

۵) و از وی، از پدرش، از قاسم بن محمّد، از سلیمان بن داوود منقری، از حفص بن غیاث روایت شده است که وی گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام صراط را وصف کرد و فرمود: هزار سال بالا رفتن و هزار سال پایین آمدن و هزار سال هموار رفتن.

۶) و از وی، از سعدان بن مسلم روایت شده است که او گفت: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره صراط پرسیدم، ایشان فرمود: آن از مو نازک‌تر و از شمشیر برّان‌تر است. برخی همانند برق از آن می‌گذرند و برخی همانند تاختن اسب و برخی قدم زنان و برخی بر دست و سینه می‌خزند و چنگ زنان از آن می‌گذرند. پس آتش بعضی از اندام هایشان را می‌سوزاند و بعضی دگر را رها می‌کند.

۷) و نیز از وی از پدرش، از حماد، از حریز، از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که ایشان قرائت فرمود: «اهدِنَا الصِّرَاطَ المُستَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنعَمتَ عَلَيهِمْ غَيرِ المَغضُوبِ عَلَيهِمْ وَلاَ الضَّالِّينَ» و فرمود: کسانی که بر آنان غضب شده، ناصبی‌ها «جنگ برافروزان با امام» هستند و گمراهان، یهودی‌ها و نصرانی‌ها می‌باشند.

۸) و از ابن ابی عمیر، از ابن اذینه، از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که ایشان در باره کلام خداوند متعال: «غَيرِ المَغضُوبِ عَلَيهِمْ وَلاَ الضَّالِّينَ» فرمود: کسانی که بر آنان خشم گرفته شده، ناصبی‌ها هستند و گمراهان، شک کنندگانی هستند که امام علی علیه السلام را نمی‌شناسند.

۹) سعد بن عبد اللّه، از احمد بن حسین، از علی بن ریان، از عبید اللّه بن عبد اللّه دهقان روایت کرده است که وی گفت: از حضرت امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: خداوند در پشت این نطاق، زبرجدی سبز دارد که آسمان از آن سبز می‌شود. عرض کردم: نطاق چیست؟ فرمود: پرده است و خداوند در پشت آن هفتاد هزار جهان دارد که در آن‌ها «جمعیتی» بیشتر از تعداد انسان‌ها و جن‌ها همگی، فلان کس و فلان کس را لعنت می‌کنند.

۱۰) و از وی، از سلمة بن خطاب، از احمد بن عبد الرحمن بن عبد ربه صیرفی، از محمّد بن سلیمان، از یقطین جوالیقی، از فلفله، از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که ایشان فرمود: همانا خداوند عز و جل کوهی از زبرجد سبز آفرید که دنیا را در میان گرفت و آسمان را سبز کرد و پشت آن کوه موجوداتی آفرید که آن‌چه از نماز و زکات بر آفریدگان خدا واجب است هیچ بر آن‌ها واجب نشده بلکه همگی دو مرد از این امت را لعنت می‌گویند، و حضرت از آن دو نام برد.

۱۱) و از وی، از محمّد بن هارون بن موسی، از ابی سهل بن زیاد واسطی، از عجلان ابی صالح روایت شده است که او گفت: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره قبّه آدم علیه السلام پرسیدم: آیا این «جهان» قبّه‌ی آدم است؟ فرمود: بله و خداوند عز و جل قبّه‌های بسیاری دارد و اما در مغرب این زمین شما، نود و نه سرزمین سفید وجود دارد آکنده از آفریدگانی که از نور آن سرزمین‌ها تابناک شده‌اند. آن‌ها به اندازه چشم برهم زدنی خدا را نافرمانی نمی‌کنند و نمی‌دانند خداوند عز و جل آدم را آفریده یا نه ولی از فلان کس و فلان کس بیزاری می‌جویند. از ایشان پرسیدند: چگونه این ممکن است و چطور آن‌ها از فلان کس

و فلان کس و فلان کس بیزاری می‌جویند، حال آن‌که نمی‌دانند آیا خداوند آدم را آفریده یا نیافریده است؟ حضرت به سوال کننده فرمود: آیا شیطان را می‌شناسی؟ عرض کرد: فقط از راه خبر. فرمود: آیا به لعنت کردن او و بیزاری جستن از او فرمان داده شده ای؟ عرض کرد: بله. فرمود: امر آنان نیز این چنین است.

۱۲) و از وی، از محمّد بن عیسی بن عبید، از یونس بن عبد الرحمن، از عبد الصمد بن بشیر، از جابر بن یزید، از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام روایت شده است که ایشان فرمود: در پس این خورشید شما چهل چشمه خورشید وجود دارد که هر یک از دیگری چهل سال فاصله دارد؛ در آن‌ها آفریدگان بسیاری وجود دارند که نمی‌دانند آیا خداوند آدم را آفریده یا نیافریده است. و در پس این ماه شما چهل قرص ماه وجود دارد که هر یک از دیگری چهل سال فاصله دارد، در آن‌ها آفریدگان بسیاری وجود دارند که نمی‌دانند آیا خداوند عز و جل آدم را آفریده یا نیافریده است. همان‌گونه که به زنبور الهام شده است، به آنان نیز الهام شده، دو تن را در همه وقت لعنت گویند و بر آن‌ها فرشتگانی گمارده شده که اگر لعنت نکنند آنان را عذاب می‌دهند.

۱۳) و از وی، از حسن بن عبد الصمد، از حسن بن علی بن ابی عثمان، از عباد بن عبدالخالق از کسی که برایش روایت کرده بود، از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و هم‌چنین از محمّد بن سنان، از مفضل بن عمر، از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که ایشان فرمود: خداوند عز و جل هزار جهان دارد که هر جهان بزرگتر از هفت آسمان و هفت زمین باشد و ساکنان هیچ یک نمی‌دانند که

خداوند جهانی دیگر به جز جهان آن‌ها دارد و من بر همه‌ی آن‌ها حجت هستم.

۱۴) و از وی، از احمد بن محمّد بن عیسی، از حسین بن سعید و محمّد بن عیسی بن عبید، از حسین بن سعید، همگی از فضالة بن ایوب، از قاسم بن برید، از محمّد بن مسلم روایت شده است که او گفت: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره میراث دانش پرسیدم که «آن‌چه مقدار است»؟ آیا دربرگیرنده جوامعاست یا تفسیر همه‌ی اموری را که از آن‌ها سخن به میان آمده در بر دارد؟ حضرت فرمود: خداوند دو شهر دارد: یکی در مشرق و دیگری در مغرب. در آن دو شهر مردمی زندگی می‌کنند که نه شیطان را می‌شناسند و نه از آفرینش او خبر دارند. ما همیشه با آن‌ها دیدار می‌کنیم و آن‌ها هر چه نیاز دارند از ما می‌پرسند و از ما در باره دعا سوال می‌کنند و ما به آن‌ها می‌آموزیم. و در باره حضرت قائم ما علیه السلام و زمان ظهور ایشان می‌پرسند و بسیار در عبادت و تلاش هستند. شهرشان دو دروازه دارد که هر یک از دیگری هزار فرسخ فاصله دارد. آن‌ها پیوسته در حال بزرگ داشتن و ستودن خدا و در دعا و تلاش هستند. اگر آن‌ها را ببینید، عمل خود را ناچیز خواهید یافت. هر یک از آن‌ها به سجده می‌رود و یک ماه سر از سجده بر نمی‌آورد. غذایشان تسبیح گفتن، جامه هایشان پارسایی و چهره هایشان نور افروز است. هر گاه یکی از ما را می‌بینند او را در میان می‌گیرند و به دورش حلقه می‌زنند و از جای پایش بر زمین تبرک می‌جویند. هر وقت به نماز بایستند غریوی همانند وزش باد توفنده دارند. در میان آن‌ها کسانی در انتظار قائم ما علیه السلام سلاح بر زمین نمی‌گذارند و به درگاه خداوند عز و جل دعا می‌کنند که او را به ایشان بنمایاند و هر یک هزار سال عمر کنند. اگر آن‌ها را ببینید، فروتنی و خاکساری و درخواست

آن‌چه به خداوند نزدیکشان می‌سازد را دیده اید. اگر نزدشان نرویم گمان می‌کنند از آن‌ها ناخشنودیم و اوقاتی که در کنارشان هستیم هم پیمان شده اند تا نزد ما باشند و خسته نمی‌شوند و از پا نمی‌نشینند و کتاب خداوند عز و جل را چنان که ما به آنان آموخته ایم تلاوت می‌کنند. در آن‌چه به ایشان می‌آموزیم چیزهایی باشد که اگر بر مردم خوانده شود باور نمی‌کنند و به آن کفر می‌ورزند. هر گاه در قرآن به چیزی برخورند که آن را نمی‌دانند از ما می‌پرسند و چون آنان را آگاه سازیم سینه هایشان برای آن‌چه از ما می‌شنوند فراخ گردد و از ما می‌خواهند نزدشان بمانیم تا ما را از دست ندهند و می‌دانند آن‌چه به آن‌ها می‌آموزیم منّتی بزرگ از سوی خداوند بر آن‌هاست. برای نبرد همراه امام آماده اند و هر گاه امام برخیزد سلاح داران آن‌ها به نبرد می‌شتابند و از خداوند عزّ و جل می‌خواهند ایشان را از جمله کسانی قرار دهد که به دست آن‌ها دینش را یاری می‌کنند. آنان پیران و جوانانی هستند که هر گاه جوانی از آن‌ها پیری را ببیند به خدمتش همچون بنده ای می‌نشیند و تا پیر فرمانش ندهد بر نمی‌خیزد. راه خواسته امام را نیک‌تر از هر آفریده ای می‌شناسند و هر گاه امام فرمان انجام کاری را به آن‌ها دهد، برای انجام آن کار تا ابد به پا می‌خیزند تا این‌که امام و فرمانده آن‌ها به کاری دگر دستور دهد. اگر آنان بر همه‌ی آفریدگان از مشرق گرفته تا مغرب وارد شوند، در ساعتی آن‌ها را نابود می‌کنند و هیچ شمشیری در برابرشان کارساز نمی‌افتد. آنان شمشیرهایی آهنین دارند ولی نه از جنس این آهن ها، اگر یک تن از آن‌ها شمشیر خود بر کوهی فرود آورد هر آینه آن را می‌شکافد و تکّه تکّه می‌کند. امام علیه السلام در ساعتی آنان را از هند و دیلم و روم و بربر و فارس و سرزمین‌های بین جابرس و جابلق که یکی در مشرق است و دیگری در مغرب، عبور می‌دهد و آنان بر اهل

هیچ دینی وارد نمی‌شوند مگر این‌که آنان را به سوی خداوند عز و جل و اسلام دعوت کنند و آن‌ها را به اقرار کردن به محمّد صلی اللّٰه علیه و آله و یگانگی خدا و ولایت ما اهل بیت فرا خوانند. پس هر کس از آن‌ها بپذیرد و به اسلام بپیوندد رهایش کنند و بر آن قوم از سوی خود امیری بنشانند و هر کس نپذیرد و به محمّد صلی اللّٰه علیه و آله و اسلام اقرار نکند و اسلام نیاورد او را بکشند؛ آن چنان که در شرق و غرب و بین آن دو و پشت کوه‌ها هیچ‌کس باقی نمی‌ماند مگر این‌که ایمان آورده باشد.

۱۵) محمّد بن حسن صفار، و سعد بن عبد اللّٰه، و شیخ مفید، که سخن از اوست، همگی از یعقوب بن یزید، از محمّد بن ابی عمیر، از یکی از یارانش، از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در حدیثی که ایشان به حضرت امام حسن بن علی علیه السلام مرفوع کرده، روایت کرده است که ایشان فرمود: همانا خداوند دو شهر دارد که یکی در مشرق و دیگری در مغرب است. بر آن دو شهر دیوارهایی آهنین کشیده شده و هر یک هزار هزار در و هر دری دو لنگه از طلا دارد و در هر شهر به هزار هزار زبان سخن گویند که هر یک از دیگری متفاوت است و من همه آن زبانها را می‌دانم و حجتی غیر از من و برادرم حسین بر این دو شهر و آن‌چه بین آن‌ها و روی آن‌هاست، نیست.

۱۶) محمّد بن حسن صفار، از احمد بن محمّد، از حسین بن سعید، از ابن ابی عمیر، از ابی ایوب، از ابان بن تغلب روایت کرده است که وی گفت: خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بودم. یکی از اهالی یمن بر ایشان وارد شد. حضرت به او فرمود: ای برادر یمنی، آیا شما عالمانی دارید؟ عرض کرد: بله. فرمود: عالمان شما از علم خود چه عرضه می‌دارند؟ عرض کرد: در یک شب راه دو ماه را طی می‌کنند و با پرندگان

فال می‌گیرند و آثار تاریخی را دنبال می‌کنند. حضرت به او فرمود: عالم مدینه داناتر از عالم شماست. عرض کرد: عالم مدینه از علم خود چه عرضه می‌دارد؟ فرمود: در ساعتی از روز راه یک سال خورشید را طی می‌کند آنچنان که هزار جهان مثل جهان شما را که کسی در آن‌ها نمی‌داند خداوند آدم و یا شیطان را آفریده، پشت سر می‌گذارد. عرض کرد: آیا «اهالی آن‌ها» شما را می‌شناسند؟ فرمود: بله، خداوند هیچ چیز به جز ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما را بر آن‌ها واجب نکرده است.

۱۷) شیخ مفید در اختصاص، از محمّد ابی عبد اللّٰه رازی جامورانی، از اسماعیل بن موسی، از پدرش، از جدّش، از عبد الصمد بن علی روایت کرده است که وی گفت: مردی خدمت حضرت امام سجاد علیه السلام وارد شد. حضرت به او فرمود: تو کیستی؟ عرض کرد: من مردی ستاره شناس و آثارشناس و کاهن هستم. حضرت نگاهی به او کرد و فرمود: آیا می‌خواهی مردی را به تو نشان دهم که از وقتی تو نزد ما آمده ای چهارده جهان را که هر یک سه بار بزرگتر از این جهان است پشت سر گذاشته در حالی که هیچ از جایش تکان نخورده است؟ عرض کرد: او کیست؟ فرمود: من هستم و اگر می‌خواهی تا تو را از آن‌چه خورده ای و در خانه ات انباشته ای خبر دهم.

۱۸) ابن بابویه، از محمّد بن قاسم استرآبادی مفسّر (رض)، از یوسف بن محمّد زیاد، و علی بن محمّد بن سیار، از پدرانشان، از حضرت امام حسن بن علی بن محمّد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب، از پدر بزرگوارشان، از جدّ بزرگوارشان «علیهم السلام» روایت کرده است که ایشان فرمود: مردی به خدمت امام رضا علیه السلام رسید و عرض کرد: ای پسر رسول خدا صلی اللّٰه

علیه و آله، مرا از کلام خداوند سبحانه: «الْحَمْدُ للّهِ» با خبرساز، تفسیر آن چیست؟ ایشان فرمود: پدرم، از جدّم، از امام باقر (علیهم السلام)، از امام زین العابدین، از پدر بزرگوارشان (علیهم السلام) برایم نقل کرد که مردی خدمت امیر مؤمنان علی علیه السلام رسید و عرض کرد: مرا از کلام خداوند متعال: «الْحَمْدُ للّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ» با خبرساز، تفسیر آن چیست؟ ایشان فرمود: «الْحَمْدُ للّهِ» به این معناست که خداوند برخی از نعمت‌های خود را به نحو اجمال به بندگانش شناسانده است؛ چرا که آنان قادر نیستند همه آن نعمت‌ها را به تفصیل بشناسند و نعمت‌های خداوند بیش از آن است که شمرده یا شناخته شود. از این رو به آنان فرمود: بگویید: سپاس و ستایش خدایی را که به ما نعمتها عطا فرمود، او که پروردگار جهانیان است و جهانیان مجموعه همه آفریدگان از جمادات و حیوانات هستند. اما حیوانات، خداوند آن‌ها را در ید قدرت خود گردانندگی می‌کند و از روزی خود آنان را غذا می‌دهد و همگی را در پناه حمایت خویش گرفته است و هر یک را بنا بر مصلحت خود اداره می‌کند؛ و اما جمادات، خداوند آن‌ها را به قدرت خویش نگاه می‌دارد و آن‌هایی را که به هم پیوسته اند نمی‌گذارد از یک‌دیگر پراکنده شوند و آن‌ها را که از هم جدایند نمی‌گذارد به هم بپیوندند و آسمان را از این‌که بر زمین فروافتد نگاه می‌دارد، مگر این‌که خود رخصت دهد و زمین را از این‌که فرو رود نگاه می‌دارد مگر این‌که خود فرمان دهد. به درستی که او بر بندگان خویش بسیار بخشنده و بخشایشگر است. حضرت فرمود: «رَبِّ الْعَالَمِینَ» فرمانروا و آفریننده آن‌ها که روزیشان را از جایی که می‌دانند و از جایی که نمی‌دانند می‌رساند؛زیرا روزی قسمت شده است و آدمی هر شیوه ای را در دنیا بپیماید روزی‌اش به او می‌رسد، نه تقوای انسان پارسا روزی او را می‌افزاید و نه بدکاری انسان نابکار روزی او را

می‌کاهد و بین آدمی و روزیش پرده ای کشیده شده؛ حال آن‌که او جوینده‌ی آن است. پس اگر فردی از شما از روزی خود بگریزد، روزیش در پی او برآید هم‌چنان که مرگ او را بجوید. خداوند جلّ جلاله فرمود: بگوئید: سپاس و ستایش خداوند را که به ما نعمتها عطا فرمود و پیش از آن‌که ما هست شویم در کتابهای پیامبران پیشین از ما به نیکی یاد کرد و این گونه بر محمّد صلی اللّٰه علیه و آله و آل محمّد علیهم السلام و شیعیان او واجب فرمود که چون ایشان را بر دیگران برتری بخشیده است، او را شکر گذارند. رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله فرمود: چون خداوند عز و جل موسی بن عمران علیه السلام را به پیامبری برانگیخت و با او نجوا کرد و دریا را برایش شکافت و بنی اسرائیل را نجات داد و تورات و الواح را به وی عطا فرمود و موسی مقام و منزلت خود را نزد پروردگارش دید عرض کرد: پروردگارا، تو مرا چنان گرامی داشتی که پیش از من هیچ‌کس را بدان ارجمند نساخته ای. پس خداوند جل و جلاله فرمود: ای موسی، مگر نمی‌دانی که محمّد صلی اللّٰه علیه و آله در نزد من برتر و گرامی‌تر از همه‌ی فرشتگان و تمامی آفریدگان من است؟ موسی عرض کرد: پروردگارا! اگر محمّد صلی اللّٰه علیه و آله در نزد تو از همه آفریدگانت گرامی‌تر است، آیا در بین خاندان پیامبرانت ارجمندتر از خاندان من هست؟ خداوند جلّ جلاله فرمود: ای موسی، مگر نمی‌دانی که برتری خاندان محمّد صلی اللّٰه علیه و آله بر خاندان همه پیامبران همچون برتری محمّد صلی اللّٰه علیه و آله بر تمامی پیغمبران است؟ موسی عرض کرد: پروردگارا، اگر خاندان محمّد چنینند، آیا در میان امتهای پیامبران، گرامی‌تر از امت من در نزد تو وجود دارد، چندان که ابرها را بر سر ایشان سایبان کردی و برای آنان انگبین و بلدرچین فرو فرستادی و دریا را برایشان شکافتی؟ خداوند جلّ جلاله فرمود: ای

موسی، مگر نمی‌دانی که برتری امّت محمد صلی اللّٰه علیه و آله بر دیگر امت‌ها همچون برتری خود محمّد صلی الله علیه و آله بر دیگر آفریدگان من است؟ موسی عرض کرد: پروردگارا، کاش آن‌ها را می‌دیدم. خداوند عز و جل به او وحی فرمود: ای موسی، تو آنان را نخواهی دید؛ زیرا اکنون زمان پیدایش آن‌ها نیست، اما به زودی آنان را در باغ‌های عدن و فردوس در حضور محمّد خواهی دید که در نعمت‌های آن‌جا غوطه ورند و در خیرات و برکاتش آرمیده‌اند. ای موسی! آیا دوست داری کلام آن‌ها را به گوش تو برسانم؟ موسی عرض کرد: بله ای معبود من. خداوند جل جلاله فرمود: پس همچون بنده ای ذلیل که در بارگاه پادشاهی توانمند می‌ایستد، در برابر من بایست و کمر خود را محکم ببند. موسی چنین کرد. از جانب پروردگارمان عز و جل ندایی برخاست که: ای امت محمد صلی اللّٰه علیه و آله! آن‌گاه همه آن‌ها که هنوز در پشت پدرانشان و رحم‌های مادرشان بودند پاسخ دادند: لبیک اللّهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک، إنّ الحمد و النعمة لک و الملک، لا شریک لک، حضرت فرمود: پس خداوند این پاسخ را شعار حجّ قرار داد. سپس پروردگارمان عز و جل ندا داد: ای امت محمّد! حکم و قضای من برای شما این چنین است که مهرم بر خشمم پیشی گیرد و بخششم بر کیفرم. پیش از آن‌که مرا بخوانید شما را پاسخ می‌دهم و پیش از آن‌که از من چیزی بخواهید به شما ارزانی می‌دارم. هر یک از شما مرا دیدار کند و شهادت دهد که هیچ خدایی جز اللّٰه نیست، یگانه است و هیچ همتایی ندارد و محمّد صلی اللّٰه علیه و آله بنده و فرستاده اوست که در گفتارش راستگو و در کردارش بر حق است و علی بن ابی طالب، برادر او و وصی و جانشین اوست که پیروی از او همچون پیروی از محمّد صلی اللّٰه علیه و آله واجب است و اولیای برگزیده و پاک او که آورنده

نشانه‌های شگفت خداوند و دلایل حجت‌های خداوند می‌باشند پس از آن دو، اولیای او هستند، من او را به بهشت خود درآورم هر چند گناهانش به اندازه کف‌های روی دریا باشد. سپس امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: چون خداوند عز و جل پیامبر ما محمد صلی اللّٰه علیه و آله را به پیامبری برانگیخت، فرمود: ای محمّد! «وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا» [و تو در جانب طور نبودی آن دم که ندا درداديم]امت تو را به این ارجمندی؛ سپس خداوند عز و جل به محمّد صلی اللّٰه علیه و آله فرمود: بگو: «الْحَمْدُ للّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» که مرا در این برتری یگانه ساخت و به امت او فرمود: شما نیز بگویید: «الْحَمْدُ للّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» که این فضیلت‌ها را به ما اختصاص داد.